



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

KyivPost  
INDEPENDENCE. COMMUNITY. TRUST

## آینده توافق جامع ایران و روسیه

جهان شاهد تعامل ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه با همتای ایرانی خود مسعود پزشکیان در ۱۱ اکتبر در عشق‌آباد ترکمنستان بود. اولین دیدار مسعود پزشکیان با رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین پس از پیروزی وی در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری ایران، گمانه‌زنی‌ها را در میان کارشناسان و محققان راهبردی در مورد اینکه نتیجه این تعامل چه بوده است، افزایش داده است. پوتین در این دیدار بار دیگر بر مواضع مسکو در تأیید سیاست خارجی تهران تأکید کرد. در مقابل، پزشکیان خوش‌بینی محض به رشد مشارکت راهبردی بین دو کشور را منعکس کرد. به گفته یکی از محققین تهرانی، اگر چه توافقنامه شراکت راهبردی ایران و روسیه در کارزار آماده امضا بود اما هر دو طرف موافقت کردند که در سفرهای بعدی آن را امضا کنند. پوتین از پزشکیان برای سفر به مسکو به عنوان یکی از سلسله‌جلسات منظم دعوت کرد. به تعویق افتادن و زمان‌بندی‌های احتمالی، محققان را وادار به حدس و گمان کرده است. پاسخ اسرائیل به بیش از ۲۰۰ موشک پرتاب‌شده توسط ایران در ۱ اکتبر سرانجام در ساعات اولیه ۲۶ اکتبر انجام شد که منجر به کشته شدن چهار سرباز ایرانی شد و آسیب محدودی به چند سیستم راداری زد. ایران امیدوار است مسکو تجهیزات حیاتی هوایی را به همراه چند سامانه دفاع هوایی اس ۴۰۰ و جنگنده‌های سوخو ۳۵ در اختیار ایران بگذارد. از آنجایی که تعامل مسکو با تل‌آویو پس از حمله اوکراین بدتر شده است، مسکو انگیزه و تمایل ظاهری لازم برای حمایت از ایران را دارد. به گفته یک محقق لبنانی، انگیزه اصلی مسکو تشدید بیشتر درگیری اسرائیل و ایران است، به این امید که واشنگتن و متحدانش در غرب را بیشتر در منطقه درگیر کند و تمرکز آنها را از اوکراین تغییر دهد. نیروی هوایی جمهوری اسلامی همچنان به تجهیزات پیش از انقلاب ۱۹۷۹ ایران متکی است. این هواپیماها نمی‌توانند نیروی هوایی برتر اسرائیل را شکست دهند. عجله تهران برای تهیه این جنگنده‌ها یا جانش‌ها و تاخیرهای لجستیکی شدیدی مواجه است. برخلاف انتظار تهران، انتقال سوخو-۳۵ به ایران، صرفاً روی کاغذ، قابل انجام به نظر می‌رسد. یکی از روزنامه‌نگاران مقیم تهران این تأخیر را به تصمیم مسکو برای تکمیل اسکادران‌ها در جبهه اوکراین نسبت داد. ظاهراً این تأخیر نشان‌دهنده بی‌امیلی مسکو برای نارضایتی عربستان سعودی یا امارات متحده عربی است. مسکو در اوایل سال ۲۰۱۹ از انتقال سامانه پدافند هوایی اس-۴۰۰ به تهران خبر داد، اما این نیز دست‌نیافتنی باقی مانده است. تهران مجبور است به نسخه تولید داخلی اس-۳۰۰ خود یعنی باور-۳۷۳ تکیه کند. مسکو ممکن است به دلیل ترس از انتقال برخی از واحدهای ایران به سوریه در تلاش برای مقابله با تسلط هوایی اسرائیل در منطقه، تمایلی به ارائه اس-۴۰۰ نداشته باشد. علاوه بر تقویت توان بازدارندگی ایران، مسکو در موقعیت عالی برای مسلح کردن نیروهای نیابتی ایران، به ویژه حزب‌الله، قرار دارد. از آنجایی که تهران از مشارکت راهبردی همه‌جانبه روسیه استقبال می‌کند، به نظر نمی‌رسد مسکو از این چشم‌انداز استقبال کند و بسیاری از روس‌ها نگرانی‌های شدید خود را در مورد احتمال سرریزش درگیری‌های خاورمیانه به روسیه ابراز می‌کنند. برای این منظور، مسکو ممکن است در بهترین حالت، حمایت خود را از ایران با ارائه تسلیحات سبک به حزب‌الله محدود کند. مسکو ممکن است تصمیم بگیرد قبل از امضای توافقنامه مشارکت جامع با تهران صبر کند و این خود منعکس‌کننده تصمیم این کشور برای نادیده گرفتن هرگونه تلاش برای ورود به ماریچ کردن خصومت‌های جاری و تبدیل کردنش به یک جنگ بالقوه منطقه‌ای است. با توجه به افزایش صادرات تسلیحات روسیه به امارات از سال ۲۰۲۲، بعید به نظر می‌رسد که مسکو کاری برای نارضایتی کردن هفتمین شریک تجاری بزرگ خود در منطقه انجام دهد. این موضوع قصد مسکو برای میانجیگری بین اسرائیل و ایران را توضیح می‌دهد. از آنجایی که آینده تعامل مسکو با اسرائیل هنوز مبهم است، ممکن است روسیه تصمیم بگیرد درباره مشارکت خود با ایران دقت بیشتری به خرج دهد. چرا اگر خشونت از سطحی بالاتر برود، ممکن است روسیه گزینه‌های مطلوب خود در منطقه را از دست بدهد.



## عهدنامه مودت میان ایران و دُول متحده آمریکا از انعقاد تا لغو آن

# دوستی که دشمن شد



داود دوشبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

**پس از وقوع انقلاب اسلامی دولت‌های ایران و آمریکا هر چند در عرصه سیاسی با هم درگیر بودند اما به لحاظ حقوقی و بر مبنای ماده یک عهدنامه مودت می‌بایست «بین ایران و دول متحده آمریکا صلح استوار و پایدار و دوستی صمیمانه برقرار» می‌بود**

بیل کلینتون هم‌زمان با ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی در ایران در ۱۸ مارس سال ۲۰۰۰ میلادی در سخنرانی خود گفت: «در سال ۱۹۵۳ آمریکا نقش مؤثری در ترتیب دادن براندازی نخست‌وزیر محبوب ایران محمد مصدق داشت. دولت آیزنهاور معتقد بود که اقداماتش به دلایل استراتژیک موجه‌اند ولی آن کودتا آشکارا باعث پس‌رفت مسیر تکامل سیاسی ایران شد و تعجبی ندارد که هنوز بسیاری از ایرانیان از این دخالت آمریکا در امور داخلی آنان ناراحت‌اند. علاوه بر این در ربع قرن بعد از آن ایالات متحده و غرب پیوسته از رژیم شاه حمایت کردند. دولت شاه هر چند کارهای زیادی برای پیشرفت اقتصادی ایران انجام داد ولی مخالفان خود را بی‌رحمانه سرکوب کرد.»

کودتای آمریکایی-انگلیسی ۲۸ مرداد اتکای بین‌المللی حکومت پهلوی را از بریتانیا به سوی آمریکا تغییر داد و با شراکت آمریکا در صنعت نفت ایران منافع اقتصادی نیز بر روابط نظامی و امنیتی افزوده شد. پس از فضل‌الله زاهدی که نخست‌وزیری دولت کودتا را بر عهده داشت محمدرضا شاه وظیفه نخست‌وزیری را به سیاستمداری کهنه‌کار و امریکوفیل سپرد که سال‌ها سفارت ایران در واشنگتن را بر عهده داشت و از این رو روابط نزدیکی با آمریکایی‌ها داشت. حسین‌علاء که یک بار در دوره کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ سیدضیاءالدین طباطبایی و رضاخان میرپنج عهده‌دار سفارت ایران در آمریکا بود و واسطه پیشنهاد قرارداد شرکت‌های آمریکایی برای اکتشاف و استخراج نفت در ایران بود، بار دیگر از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۸ در بحبوحه بحران آذربایجان واسطه دولت ایران و آمریکا بود و با هدایت احمد قوام توانست آمریکایی‌ها را به خوبی برای تهدید شوروی تحریک کند. روابط نزدیک حسین‌علاء با سیاستمداران آمریکایی در جریان کودتای ۲۸ مرداد نیز ادامه داشت و برخی گزارش‌ها از همراهی او با کودتا نیز خبر می‌دهد؛ هر چند او فروردین ۱۳۳۲ از وزارت دربار استعفا داده بود و علی‌الظاهر کاره‌ای نبود.

### دوستی میان ایران و آمریکا

باروی کارآمدن حسین‌علاء روابط نزدیکتر و عمیق‌تر دولت ایران و آمریکا در دستور کار دو طرف قرار گرفت و مذاکرات برای عهدنامه دوستی میان دو کشور آغاز شد. نصرالله انتظام به عنوان سفیر ایران در آمریکا و برادرش عبدالله انتظام به عنوان وزیر امور خارجه نقش جدی در مذاکرات داشتند اما در نهایت قرارداد به امضای معاون وزیر خارجه عنایت‌الله سمیعی و سلدن چین سفیر کبیر فوق‌العاده و مختار دول متحده آمریکا در تهران رسید. این قرارداد که «عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دول متحده آمریکا» نام گرفت، مشتمل بر یک مقدمه و بیست‌وسه ماده بود که در تاریخ بیست‌وسوم مردادماه ۱۳۳۴ مطابق با پانزدهم اوت ۱۹۵۵ تنها یک هفته مانده به دومین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد در تهران به امضاء رسید و از ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۷ به اجراء درآمد. این پیمان دو سال بعد از کودتای ۱۳۳۲ که توسط آمریکا علیه دولت دکتر مصدق طراحی شده بود، به هدف گسترش سرمایه‌گذاری آمریکا در ایران منعقد شد. ماده یک عهدنامه مقرر می‌داشت: «بین ایران و دول متحده آمریکا صلح استوار و پایدار و دوستی صمیمانه برقرار خواهد بود.» ماده دو و سه آزادی‌ها و اختیاراتی را برای افراد و شرکت‌های هر یک از طرفین قائل شده بود تا بتوانند در کشور دیگری به اقامت و فعالیت و فعالیت بازرگانی و اشتغال بپردازد. ماده سوم تصریح کرده بود: «شرکت‌هایی که طبق قوانین و مقررات مربوطه هر یک از طرفین معتمدین متعاهدین تشکیل گردیده است در قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر شخصیت حقوقی آنها شناخته خواهد شد.» هر چند کلیه مفاد عهدنامه به لحاظ حقوقی برای هر دو طرف برابر و یکسان بود اما توجه به توان اقتصادی آمریکا در برابر ایران، در واقع ایران را به ایالت پنجاه و یکم آمریکا بدل می‌کرد و اتباع آمریکایی اجازه هرگونه فعالیت اقتصادی را بدون محدودیت‌های معمول برای اتباع خارجی در ایران برخوردار شده بودند. عهدنامه حتی دسترسی قضایی برای هر دو طرف را فراهم کرده و در عین حال تصریح کرده بود: «حتی شرکت‌هایی که در داخل کشور فعالیت ندارند بی‌آن‌که احتیاج به ثبت‌رسیدن یا محلی شدن داشته باشند از دسترسی مذکور برخوردار خواهند بود.» این میزان از دسترسی و آزادی حقوقی برای اتباع کشور خارجی در هر کشوری استثنایی و غیرمعمول بود. در مورد مالیات و حقوق دولتی نیز پیش‌بینی شده بود: «به اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین معتمدین متعاهدین در قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر مالیات یا عوارض یا حقوقی سنگین‌تر از آن چه به اتباع و ساکنین و شرکت‌های هر کشور ناشی تعلق می‌گیرد تعلق نخواهد گرفت» که به معنای آزادی شرکت‌های آمریکایی از حقوق گمرکی در ایران بود. ماده هفتم نیز مقرر می‌کرد: «هیچ‌یک از طرفین معتمدین متعاهدین در مورد پرداخت و ارسال و سایر انتقالات پولی به قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر یا از قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر به قلمرو خود تضییقاتی قائل نخواهد شد.» این آزادی انتقال پول در قیاس اقتصاد بزرگ آمریکا و وضعیت نامساعد اقتصادی ایران با بخش دولتی غیرمولد متکی بر درآمد نفت و بخش خصوصی فاقد سرمایه و نحیف به منزله استثمار کامل بازار ایران به نفع شرکت‌های خصوصی آمریکایی بود که در تبصره بعدی تصریح می‌شد: «هیچ‌یک از طرفین معتمدین متعاهدین محدودیت یا ممنوعیتی نسبت به ورود هر گونه محصول طرف معظم متعاهد دیگر با نسبت به صدور هر گونه محصولی

سقوط اوباز هم دولت‌مردان ایرانی متوجه آمریکا شدند که با پایان جنگ جهانی دوم سیاست انزوی خود را کنار گذاشته و به امید کشورهای جهان سومی بدل شده بود. تلاش شوروی برای اشغال آذربایجان فرصتی فراهم کرد تا آمریکا برای اخراج نیروهای ارتش سرخ با ایران همراهی کند و بیشتر دل ایرانیان را برآید. این همراهی اما بی‌طمع نبود و به‌زودی شرکت‌های آمریکایی برای اکتشاف نفت شرق و جنوب شرق عازم ایران شدند اما از این قراردادها سودی عایدشان نشد. هم‌زمان روابط نظامی ایران و آمریکا روبه‌فرونی گذاشت. در ۳۰ خرداد ۱۳۲۶ یک قرارداد ۱۰ میلیون دلاری فروش سلاح به ایران به امضاء رسید. در ۱۴ مهر ۱۳۲۸ کنگره ایالات متحده آمریکا قانون کمک به دفاع مشترک را به تصویب رساند و مبلغ ۲۷ میلیون دلار کمک نظامی در اختیار ایران قرار داد. در ۴ مرداد ۱۳۲۹ کنگره اصلاحیه‌ای به قانون دفاع مشترک افزود و ایران را از زده کره جنوبی و فیلیپین خارج ساخت و در ردیف ترکیه و یونان قرار داد که مجموع ۱۳۱ میلیون دلار کمک نظامی به این سه کشور اختصاص یافته بود. اما نهضت ملی شدن صنعت نفت این ماه عسل را به پایان رساند. محمد مصدق، رهبر ملی شدن صنعت نفت در دوره نخست‌وزیری تلاش کرد تا بتواند نظر دولت آمریکا را جلب کند و با مشارکت و سرمایه‌گذاری آنها بازاری برای نفت ایران نیز پیدا کند اما آمریکایی‌ها تر جیح دادند با برادران بریتانیایی خود همراهی کنند و دولت مصدق را بی‌اورد در عرصه بین‌المللی رها کردند. بیشتر اتحاد جماهیر شوروی نیز از یاری دولت مصدق سرباز زده بود و این چنین رویه دیگر آمریکا برای ایرانیان آشکار شد. درحالی‌که تا زمان ملی شدن صنعت نفت، چهره آمریکا در میان ایرانیان به عنوان کشوری آزادخواه و مخالف استعمار شناخته می‌شد وقتی از یاری دولت ملی مصدق سرباز زد نخستین ضربه را به آبرویش نزد ایرانیان زد اما کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به یکباره همه تصورات درباره آمریکای حامی آزادیخواهان جهان را بر باد داد و روشن شد آمریکا نیز در دیگر کشورها منافع استعماری را بر هر چیز دیگری ترجیح می‌دهد. مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه آمریکا در دولت